

«سیاوش اوستا»

# جمهوری اسلامی در بدر به دنبال یارگیری!



جمهوری اسلامی سراسر جهان در بدر به دنبال یار می گردد. در پی اتحاد همبستگی کشورهای عربی به رهبری عربستان سعودی در جهت رودرروئی با رشد اسلام ایرانی در منطقه و تن دادن به صلح با اسرائیل و به رسمیت شناختن این کشور، جمهوری اسلامی بیش از هر زمان نه تنها در جهان که در منطقه تک و تنها مانده است. به جز گروه های تروریستی از کشورهای رنگارنگ و نفت و گاز کشور چیز دیگری در اختیار ندارد.

آنگاه که اعراب به رهبری سعودی ها طرح صلح با اسرائیل را ارائه می کنند و مذاکرات نیز آغاز می شود، یعنی به رسمیت شناختن کامل وجود اسرائیل و پایان درگیری بیش از نیم قرن اعراب و اسرائیل. اعراب ترجیح می دهند تا مستقیماً با اسرائیل وارد مذاکره شده و چند سالی این بازی را دنبال کنند تا این که قدرت خویش را در برابر جنبش های تروریستی اسلامی به خطر بیندازند.

لذا جمهوری اسلامی به الجزایر و دیگر کشورهای اسلامی یا غیر اسلامی پناه می برد تا بتواند با اهداء نفت و گاز کشور به ثمن بخش و یا رایگان یارانی را برای خود دست و پا کند.

این شتابزدگی آنچنان عربان است که احمدی نژاد رسماً امکان تجدید ارتباط را با مصر را نیز مطرح می کند.

در صورتی که در سال های پیش این مصر بود که برای برقراری روابط گام در پیش نهاده بود و ملاها آن را رد می کردند. از سوی دیگر الجزایر تاکنون بارها و بارها از هنگام حکومت محمدرضا شاه نشان داده است که می تواند واسطه خوبی برای حل بحران های خاورمیانه باشد.

با روابط اطلاعاتی و امنیتی و اقتصادی بسیار خوبی که الجزایر با آمریکا دارد در دهه اول انقلاب توانست مشکل گروهان های آنها را در ایران حل کند. هر چند این موضوع به قتل یک وزیر الجزایری و بارانش منجر شد (در هنگامه حل بحران جنگ ایران و عراق).

امروز نیز که جمهوری اسلامی رسماً با آمریکا وارد مذاکره شده است در کمپ جنبش های غیر متعهد در بی متحدانی می گردد تا بتواند همبستگی دوباره اعراب را از هم بپاشاند.

هیچکس فراموش نکرده است که در جنگ هشت ساله عراق با ایران، تمامی کشورهای عربی به جز سوریه و لیبی در کنار صدام حسین بودند و امروز همه با هم در طرح صلحی با اسرائیل در تلاش هستند تا جمهوری اسلامی را به زانو درآورند.

در پی پایان بخشیدن احتمالی به جریان نهرالبارد در لبنان جمهوری اسلامی تشنج های دیگری را در عربستان سعودی به راه خواهد انداخت که هدف اصلی از این درگیری های پراکنده در کشورهای اسلامی، متزلزل کردن حکومت ها و چانه زنی حول مسئله اتمی خواهد بود.

جمهوری اسلامی به برکت کتاب های ساحرانه و هیپنوتیزم کننده علی شریعتی در رابطه با «شهادت» و «جانباختگی آرمانی» که به دهها زبان زنده دنیا آنها را ترجمه کرده و رایگان توزیع نموده است و تأسیس اردوگاه های آموزشی نظامی در هر کجا جهان که توانسته است، سپاهیان را از کشورهای مختلف اسلامی برای جان دادن رایگان در این جهان و به عشق دیدار حوری و غلمان و امید وصل آنها و نیز حضور در کاخ و نهرهای شراب و شیر آن جهان آموزش داده و هرگاه که اراده کند در هر کجای منطقه از آنها بهره ببرد.

www.awesta.net

# نگاهی به کارنامه سیاسی دکتر محمد مصدق

تحقیق: دکتر جلال متینی

کاپیتولاسیون: دادن مصونیت سیاسی به تکنیسین های اصل چهار ترومن

دکتر مصدق در سفر به آمریکا برای گرفتن کمک از «اصل چهار ترومن» ویژه کارهای عمرانی و کشاورزی و جنگلیانی و بهداشتی، وعده یک کمک ۲۳ میلیون دلاری گرفت.

«یک ماه پس از بازگشت مصدق [از آمریکا] هیأتی به ریاست ویلیام وارن... به ایران آمد. وارن ریاست اصل چهار برعهده گرفت. او با مصدق چند دیبار داشت و چند نامه میان او و دولت مبادله گردید. یکی از شرایط عمومی اصل چهار برای کمک به کشورهای عقب مانده، تحمیل نوعی مصونیت برای کارکنان آن بود. دولت ایران هم این شرط را پذیرفت. (بهمین ماه ۱۳۳۰). متن قرارداد اصل چهار هرگز منتشر نشد، ولی در چند روزنامه نسبت به مصونیت سیاسی کارکنان اصل چهار اعتراض شد و دولت پاسخی نداد.» (صفائی، ۲۰۶).

ناگفته نماند که اصل چهار در آن سال و پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در چند زمینه خدمات مهمی در ایران انجام داد که یکی از آنها ریشه کنی مالاریا در سراسر ایران بود.

«در سال های بعد، حسنی منصور نخست وزیر در جلسه ۱۹ آبان ۱۳۴۳ مجلس شورا هنگام دفاع از مصونیت مستشاران نظامی آمریکا گفت: در جهان سوم، مصونیت سیاسی جزو شرایط خدمت مستشاران آمریکائی است و افزود: دکتر مصدق نیز همین امتیاز سیاسی را برای هیأت اصل چهار پذیرفت. دکتر مصدق در نامه ای خطاب به منصور، ضمن این که این مطلب را رد کرد نوشت: اصل چهار متن قرارداد با سایر دولت ها را برای این جانب فرستاد و تقاضا نمود از سوی دولت ایران هم به همان نهج تنظیم شود. احتیاج به اصلاحاتی داشت. پس از اصلاح امضاء نمودم.» (صفائی، ۲۰۶-۲۰۷. به نقل از: کیهان، ۲۳ آبان ۱۳۴۳).

این عبارت، مهم و دو پهلوست. ولی مصدق در خاطراتش توضیح بیشتری درباره این موضوع داده است: «من با پیشنهاد اصل چهار که موادی مخالف استقلال ایران در آن درج شده بود موافقت ننمودم تا پیشنهاد را تصحیح کردند و بعد امضاء نمودم.» (خاطرات، ۳۴۳-۳۸۱).

سوالی که پیش می آید آن است که چرا دکتر مصدق در هر دو مورد، در برابر ادعای حسنی منصور ننوشته است: من به کارکنان آمریکائی اصل چهار «مصونیت سیاسی» ندادم. آیا ممکن است دولت آمریکا «مصونیت سیاسی» را که، به قول منصور، جزو شرایط خدمت مستشاران آمریکائی در جهان سوم بوده است، استثناً به پیشنهاد دکتر مصدق حذف کرده باشد؟ از سوی دیگر ویلیام وارن رئیس اصل چهار در ایران صریحاً نوشته است که دکتر

مصدق موافقتنامه را با قبول این امر که تکنیسین های اصل چهار به مانند «هیأت های سیاسی» از مصونیت سیاسی برخوردار باشند در ۲۰ ژانویه ۱۹۵۲ امضاء کرد.

وارن از گفتگوی نهائی خود با دکتر مصدق این چنین یاد کرده است:

«I urged... our technicians deserve and elsewhere are accorded the privileges of «the diplomatic mission. Then I added, «I had so much looked forward to the end of these negotiations «and a start of work Well». he (Dr. Mossadeq) said, «go ahead and sign the note. It is satisfactory to (me...» (Warne, P. 46).

اهمیت این موضوع از این قرار است که وقتی در زمان حسنی منصور مصونیت سیاسی مستشاران آمریکائی تصویب شد، مخالفان، از آن به عنوان تجدید حیات کاپیتولاسیون یاد کردند و از جمله آیت الله خمینی از یک طرف و طرفداران مصدق از سوی دیگر بر رژیم حمله بردند.

به یاد داشته باشیم که دکتر مصدق در مجلس ششم از جمله ایرادهائی که بر محمدعلی فروغی دکاالملک وزیر جنگ کابینه مستوفی الممالک گرفت این بود که فروغی نامه ای «به سفارت دولت شوروی نوشته و موافقت خود را در قضاوت دعوی اتباع آن دولت در اداره محاکمات وزارت خارجه اظهار نموده... و برقراری کاپیتولاسیون را تجدید نموده است» و چنان که در بخش چهارم کتاب آمده است، این امر صحت نداشت.

**قانون استخدام کارمندان دولت**

در همان زمان به دستور دکتر مصدق، لایحه استخدام کارمندان دولت تنظیم و معروض افکار عمومی گذاشته شده بود. طبق ماده ۱۳ مکرر الف این لایحه

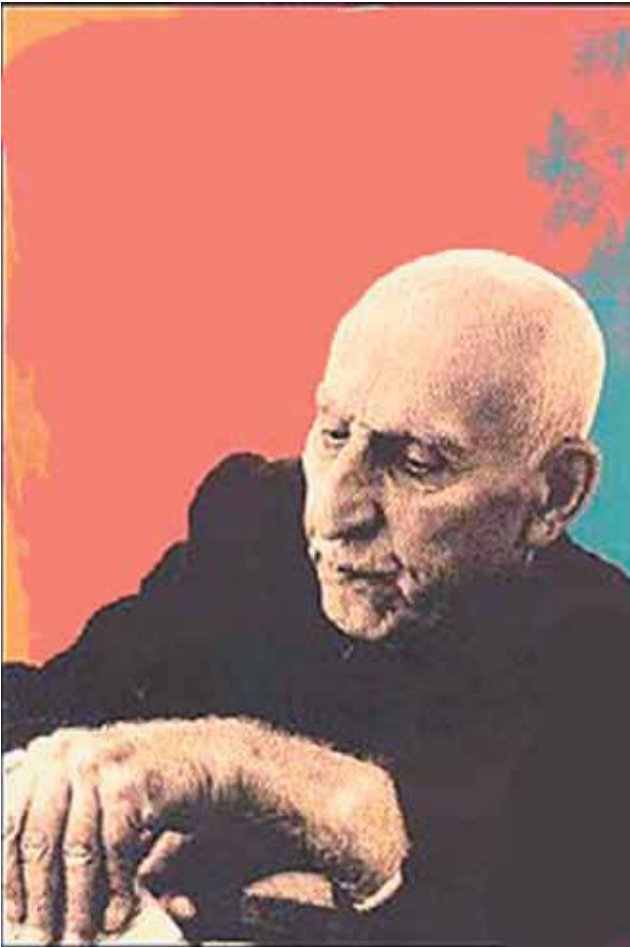
«... هر گاه مستخدمی بر علیه اشخاص و مقامات دولتی یا غیر دولتی مقالاتی در روزنامه ها و مجلات انتشار بدهد و بدین وسیله توهین و اهانت و تهدید نماید و یا برخلاف مصالح دولت مقالاتی منتشر سازد و یا مطالب و اخبار اداری را بدون اجازه کتبی انتشار دهد، نویسنده و همچنین صاحب امتیاز و مدیر آن روزنامه و مجله در صورتی که مستخدم دولت باشند علاوه بر مجازاتی که در قانون مطبوعات برای این قبیل انتشارات مقرر است به تشخیص شورای اداری از کار برکنار خواهند شد و دیگر اعاده آنان به خدمت ممکن نیست...» (کوهستانی نژاد، ۱۴۲-۱۴۳).

**قانون انتخابات مجلس شورای ملی**

در اواخر آذرماه پیش نویس قانونی که برای اصلاح وضع انتخابات تنظیم شده بود، از سوی دولت در روزنامه ها چاپ شد. در این پیش نویس عده نمایندگان مجلس به ۱۷۲ نفر افزایش داده شده بود «و اگر

دکتر مصدق درباره این موضوع نوشته است:

«فرق مجلسینی که به من اختیارات داد با مجلسینی که آن را لغو نمود، این است که در



به همین صورت تصویب می شد و بلافاصله مقررات آن را در مورد مجلس موجود هم اعمال می کردند، این مجلس خود به خود از اعتبار می افتاد زیرا مجموع نمایندگان در این دوره ۸۰ نفر بیش نبود و بدینگونه مجلس نصاب لازم را برای تشکیل جلسه از دست می داد.»

مکی و بقائی که متوجه این نکته شدند، در ۱۴ دی طرحی با قید سه فوریت تقدیم مجلس کردند «به این مضمون که رئیس دولت نمی تواند با

تصمیم خود مجلس را فلج کند. این طرح را چند تن از سران فراکسیون نهضت ملی نیز امضاء کرده بودند. مصدق این طرح را نشانه بی اعتمادی مجلس نسبت به دولت دانست» و تعطیل مجلس را موهوم خواند. (موحد ۶۷۴/۲: عسگری، ۸۱-۸۲).

**قیام مقدس ملی**

دکتر مصدق، با استفاده از «اختیارات» روز ۳۰ تیر را قیام مقدس ملی و تعطیل عمومی اعلام کرد.

**«اختیارات» دکتر مصدق و بحران اقتصادی کشور**

دکتر مصدق در موقع تقاضای «اختیارات» در مجلس گفت: علت این تقاضا آن است که «... بعضی مسائل مخصوصاً مربوط به بحران اقتصادی و مالی است که انجام آن از طریق قانونگذاری عادی مقدور نیست.» ولی متأسفانه تصویب متجاوز از دو بیست لایحه قانونی، در موضوع های مختلف، از طرف وی و اجرای آنها، نه فقط کمکی به رفع بحران اقتصادی و مالی کشور نکرد، بلکه موجب گردید که چند تن از سران سرشناس جبهه ملی رودرروی مصدق قرار گیرند.

**لغو تمام لوائح قانونی دکتر مصدق**

بعد از سقوط دولت مصدق، کمیسیون دادگستری مجلس شورای ملی به استناد این که «قوای مملکت طبق صراحت اصل ۲۸ قانون اساسی همیشه از یکدیگر منفصل و ممتاز خواهد بود و نظر به این که قوانین اختیارات دکتر مصدق در محیط اعراب و اخافه و برخلاف قانون اساسی و مصالح مملکت در تصویب گذشته است...»، بر طبق ماده واحده ای تصویب کرد: «کلیه لوائح آقای دکتر محمد مصدق ناشیه از اختیارات حاصله از ماده واحده مصوب مرداد ۱۳۳۱ و ماده واحده تمدیدی آن مصوب بهمن ماه ۳۱ چون خلاف قانون اساسی بود ملغاست.» (خاطرات، ۲۳۸-۲۳۹).

**ادامه کوشش برای حل معضل نفت**

بحث درباره اختیارات قانونگذاری دکتر مصدق به درازا کشید و اینک مساله اساسی، یعنی «نفت» را تعقیب می کنیم. در دوران نخست وزیری دکتر مصدق در مجلس شانزدهم برای حل مساله نفت سه پیشنهاد به ایران ارائه گردید: پیشنهاد جکسون، پیشنهاد استوکس به وساطت هریمن و پیشنهاد بانک بین المللی عمران و توسعه. در مجلس هفدهم پیشنهادهای مشترک انگلیس و آمریکا در دو نوبت به ایران تسلیم گردید. بین پیشنهاد مشترک بین المللی و نخستین پیشنهاد مشترک پنج ماه (فرودین-شهریور ۱۳۳۱) فاصله شد و بین اولین و دومین پیشنهاد مشترک چهار ماه (آبان-بهمن ۱۳۳۱).

**تلاش بی ثمر برای فروش نفت و اخذ وام**

دکتر مصدق با آن که سخن از اقتصاد بدون نفت نیز می گفت: ولی به خوبی می دانست که گره کور نفت را بایست به ترتیبی باز کند از دعوت دکتر شاخت کارشناس آلمانی به ایران و مشورت با وی و نیز از آمدن نمایندگان اقتصادی سازمان ملل متحد به تهران نتیجه ای حاصل نگردید. زیرا هر دو، حل مشکل نفت را تنها راه رفع بحران دانستند.

در مورد فروش احتمالی نفت به کشورهای پشت پرده اهنین هم، هندرس به مصدق گفت: «کشورهای پشت پرده اهنین مقدار قابل توجهی نفت از ایران نخواهند خرید، ولی ممکن است به خرید مقادیر محدودی دست یازند تا آمریکا مجبور شود برحسب قانون جنگ (Battle Act) خود کمک هائی را هم که اکنون به ایران می کند موقوف سازد.» (موحد، ۷۱۷/۲-۷۱۸).

از طرف دیگر مساله وام «کزیم بانک» هم به هنگامی که هندرس در واشنگتن بود بار دیگر در دهم دسامبر مطرح گردید، بدین امید که گشایشی در کار ایران حاصل شود. ولی ایند به محض اطلاع از این امر «برآشف و گفت این اقدام افکار عمومی انگلستان را سخت خواهد رنجاند... ایند مؤکداً خواستار نشد که در موقعیت فعلی مطلقاً پولی در اختیار دولت ایران گذارده نشود.» (موحد، ۶۳۰/۲-۶۳۱).

ادامه دارد